

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۸۷ (پیاپی ۵۴)
(ویژه‌نامه جمعیت و توسعه)

رابطه‌ی دینداری و گرایش به جهانی شدن در میان کارکنان منطقه ویژه انرژی پارس

احمد نوبخت**

دکتر مجید موحد*

دانشگاه شیراز

چکیده

هدف از این تحقیق، بررسی رابطه دینداری و گرایش به جهانی شدن می‌باشد که به روش "پیمایش" صورت گرفته است. چارچوب نظری به کار رفته در این تحقیق، نظریه‌های آنتونی گیدنز می‌باشد. نمونه مورد تحقیق، مشتمل بر تعداد ۵۳۶ نفر از کارکنان زن و مرد منطقه ویژه انرژی پارس می‌باشند که داده‌های آن از طریق "پرسشنامه"، جمع‌آوری شده و اعتبار آن به روش صوری و پایایی آن به کمک آماره آلفای کرونباخ سنجیده شده است. سنجش میزان دینداری افراد بر اساس مدل چند بعدی گلاک و استارک صورت پذیرفته و گرایش به جهانی شدن نیز به عنوان (پدیده‌ای نو ظهور و در حال شدن) به دلیل پیچیدگی ابعاد آن در چهار بعد: ارتباطات، فرهنگ، اقتصاد و سیاست مورد سنجش، واقع شده است. نتایج تحلیل دو متغیره حاکی از وجود رابطه‌ی معنادار میان متغیرهای ابعاد چهارگانه‌ی دینداری (اعتقادی، عاطفی، مناسکی و پیامدی) و میزان کل دینداری با جهانی شدن می‌باشد. همچنین نتایج معادله رگرسیون بیانگر وجود رابطه مثبت و مستقیم، بین دینداری و جهانی شدن می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ۱. جهانی شدن ۲. دینداری ۳. ارتباطات ۴. فرهنگ ۵. اقتصاد ۶. سیاست.

۱. مقدمه

پیشینه "جهانی شدن" به بلندای عمر ادیان جهان می‌باشد. اما آنچه که امروزه به تحت عنوان جهانی شدن به ظهور رسیده، پدیده‌ای است که باید ریشه‌های آن را از آغاز قرن پانزدهم به بعد جستجو نمود (رابرتسون، ۱۳۱: ۱۳۸۵). دوره‌ای که در آن به مرور زمان جامعه‌ی ملی و مفهوم فردیت

* استادیار بخش جامعه‌شناسی

** کارشناسی ارشد بخش جامعه‌شناسی

شکل گرفت گسترش یافت، سازمان‌ها و ارتباط‌های بین‌المللی آغاز گشتند و تا قرن بیستم (که مقارن با ورود دنیا به عصر ارتباطات و شکل‌گیری جهانی ارتباطات بود)، دنیا به مکانی "واحد" و "یکپارچه" تبدیل گردید و فشردگی و انقباض خارق‌العاده و شگرفی در فضای جهانی حکم فرما شد (لوکر، ۱۵: ۱۳۸۳). با گسترش روند جهانی شدن، نسبت پاره‌ای از مسائل با جهانی شدن دستخوش تغییر شده و چالش‌های مهمی در موضوع‌های اساسی؛ چون فرهنگ، دین و هویت پدیدار شده است. چنان‌چه موضوع‌ها، نیاز به فهم و تفسیر جدیدی برای سازماندهی و احیای مجدد دارند. بنابراین، در عصر جهانی شدن نیاز به بازنگری موضوع‌ها و سایر مسائل گذشته احساس می‌شود. یکی از موضوع‌هایی که امروز در حال تعریف مجدد نسبت خود با جهانی شدن می‌باشد، دین است و از آن‌جایی که دین همواره نماینده بلانماز سنت و منبعی هویت‌زا و معنا آفرین بوده است و جهانی شدن نیز مدرنیته تفکیک‌ناپذیر بوده و خالق بی‌معنایی و بی‌هویتی بوده است بنابراین، تعامل‌سازنده و هم‌نیروزیی بین این دو مقوله آشکارا به نظر می‌رسد (گیدنز، ۵۲۴: ۱۳۸۲ و کاستلز، ۲۷: ۱۳۸۰).

از نگاه نظریه پردازان جهانی شدن، در سطح جهانی، "دین" اهمیت زیادی در دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی دارد. آن‌ها معتقداند که، بین جهانی شدن و دین ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی وجود دارد. با تضعیف دولت - ملت، نهادهای ابرملی و فراملی رشد نموده و ادیان عمده‌ی جهان و به‌عنوان بخشی از این روند، جهان‌بینی‌های خود را نسبت به جهان هماهنگ‌تر نموده و منجر به تجدید حیات مذهبی در عصر جهانی شدن گردیده است. از آن‌جایی که جهانی شدن پدیده‌ای کاملاً تحقق یافته نیست میزان ناپایداری آن همواره بالا بوده و فرایندی چالش برانگیز می‌باشد به این معنا که اول: نه در یک بعد خاص؛ بلکه در ابعاد گوناگون در حال شکل یافتن است و ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. دوم: یک پدیده محتوم و غایی نبوده، بلکه پدیده‌ای پیوسته در حال شدن می‌باشد و هر روز در شکل و شمایل تازه‌ای رخ می‌نماید و متجلی می‌گردد و سوم: در هر بعدی از ابعاد و در فرایند تکوین مستمر خود، وضعیت موجود نظام‌های مستقر آن را اعم از محلی، ملی و منطقه‌ای به چالش می‌کشاند. لذا دین، هم در مقابل جهانی شدن خود را با واقعیت آن تطبیق می‌دهد و هم با ظهور در قالب هویت‌های دینی، تحمیل می‌نماید (تافلر، ۳۸۴: ۱۳۸۳ و توماس، ۸۷-۶۳: ۱۳۸۱).

مسئله‌ای که تحقیق حاضر را سبب شده، جدال بر سر چالش‌های جهانی شدن و دین، مبتنی بر همسازی و ناهمسازی یا سازگاری و افتراق می‌باشد و این سئوالها مطرح می‌شود که چه چهره‌ای از دین تحت تاثیر تحول فناوری و ارتباطات برای دیندار متصور می‌باشد؟ آیا اشکال بنیادگرایانه دینی با پیروان بسیار اندک در عصر جهانی همواره حوادثی؛ چون یازده سپتامبر با مایه‌ای دینی را رقم می‌زند یا خیر؟ آیا می‌توان احساسات دینی عمیق داشت و به گسترش صلح، امنیت و دموکراسی در دنیا دامن زد و آلودگی خشونت را از چهره جهان پاک نمود و آنرا تلطیف کرد؟ اساسی‌ترین چالش در این پژوهش بر سر این موضوع است که، آیا شخص دیندار در عصر اطلاعات و ارتباطات دینی‌تر شده، یا اندک دینداری

نیز با هجوم مدرنیته و تکامل آن جهانی شدن نابود گردیده است؟ آیا دینداران نوع و شکل دین خود را در جهانی شدن باز تعریف نموده و متناسب با ابزارهای جدید خود را وفق داده‌اند؟ آیا جهانی شدن با اثرات چندگانه‌ای که ایجاد کرده کارکرد دین را در جهانی شدن بیشتر نموده است؟ آیا می‌توان گفت که انسان در جامعه شبکه‌ای محدودتر و تنهاتر شده و دین پاسخ به این تنهایی و محدودیت می‌باشد و انسان در طول تاریخ هنگام محدودیت‌ها و تنهایی‌ها به دامن دین و قدرت‌های ما فوق طبیعی پناه برده است. آیا دین می‌تواند نقشی را بازی نماید و کارکردی از خود در این عصر بروز دهد که انسان را از این تنهایی و محدودیت نجات رهایی بخشد؟ یا این که دین فاقد کارکرد در مدرنیته جهانی بوده و نمی‌تواند هیچ پیوندی با جهانی شدن برقرار نماید، مگر این که این پیوند در زمان واکنش علیه جهانی شدن باشد. بی‌گمان جهانی شدن با ابعاد کثیر و گسترده خود با این سؤال‌های اساسی مرتبط با دین و دینداری در چالش بوده و نمی‌توان به راحتی مفاهیم مربوط و درگیر با دینداری را با دهه هشتاد یکسان انگاشت چرا که، عصر جهانی در اطراف و اکناف کره خاکی اثرات شگرف و بسیار متغیر خود را به جای گذاشته است و همه به نوعی وارد جریانی شده‌اند که تاثیرات آن بر یکدیگر، موضوع‌ها را درگیر این جریان می‌نماید.

یکی از برجسته‌ترین تهدیدها و زیان‌های جهانی شدن، مورد تعرض واقع شدن دین به عنوان یک عنصر هویت بخش می‌باشد (موحد، ۳۰۶: ۱۳۸۲). علاوه بر این، فرایند جهانی شدن اقشار مختلف جامعه را در معرض تاثیرات دو جهان مجازی و واقعی قرار داده است و مواجهه با این دو جهان، آثار تعیین کننده‌ای به خصوص بر هویت دینی دارد. دین یکی از پدیده‌هایی است که معمولاً نسبت تنگاتنگی با جهانی شدن دارد. دین به دلیل دارا بودن لایه‌های متفاوت و پیچیدگی سطوح آن در عرصه‌های گوناگون (به تعبیر کنشگران)، پیچیده است، همواره با پدیده جهانی شدن که با تغییر و سیالیت همراه می‌باشد، نسبتی قابل شناخت و فهم دارد و شناخت و تبیین این دو نسبت، به خاطر اثرات متقابل بسیار مهم بوده تا از این طریق سهم اثر گذاری آن دو شناخته و رابطه بین دینداری و ابعاد جهانی شدن سنجیده شود. هدف اصلی پژوهش، سنجش میزان گرایش پاسخگویان به جهانی شدن و میزان دینداری آن‌ها می‌باشد، و این که آیا رابطه‌ای میان دینداری پاسخگویان و نگرش ایشان نسبت به جهانی شدن وجود دارد؟

۲. پیشینه تحقیق

«دین و سیاست در عصر جهانی شدن: چالش فراروی جمهوری اسلامی ایران» عنوان پژوهشی است که باقری خوزانی (۱۳۸۴) آن جام داده است. در این مطالعه، دین منشأ مقاومت جوامع اسلامی نشان داده شده است و جریان‌های اسلام‌گرا نمود این مقاومت می‌باشند. در واقع این جریان‌ها با بازگشت دوباره دین و مدد گرفتن از آن در کل بحران‌های ناشی از جهانی شدن، به بازسازی هویت خود می‌پردازند. در این بررسی، مؤلفه‌های جهانی شدن با توجه به راه‌حل‌های دینی و به ویژه دین

اسلام به دو دسته‌ی ذاتی و عرفی تقسیم شده و مؤلفه‌های ذاتی جهانی شدن، به تحقق فضای ارتباطی، آگاهی تشدید یافته، جدا شدن هویت از مکان و اهمیت یابی فضا و تحقق جامعه بشری مشخص شده است و جهانی شدن به مثابه ظرفی انگاشته می‌شود که با آموزه‌های دینی و مهدویت سازگار است. خان محمدی (۱۳۸۵)، در تحقیقی با عنوان "تحلیل مردم‌شناختی مناسک مذهبی در فرایند جهانی شدن"، به مطالعه موردی در مناسک قالی شویان مشهد اردهال پرداخته است. وی در این پژوهش با استفاده از مورد کاوی، نظام معنایی مناسک سنتی قالی شویان در مشهد اردهال کاشان رادر عصر جهانی شدن مورد کنکاش قرار داده و در دو سطح آشکار و پنهان به معنا کاوی این مراسم پرداخته است. وی در سطح آشکار، معنای رفتار کنشگران را بر اساس پندار خود آن‌ها بازگو نموده و در سطح پنهان معنای هویت بخشی مناسک و چگونگی همسازی با محیط در زمان‌های گذشته را در عصر حاضر نشان داده و به این نتیجه رسیده است که در عصر جهانی شدن، این مناسک نه تنها تضعیف نشده؛ بلکه تقویت نیز شده است و چون این مناسک با اسطوره شهادت امام حسین^(ع) تقویت گشته و از لحاظ الگوی آرمانی با مهدویت گره خورده است، به عنوان عنصری دینی، هویت بخش فرامکان و فرازمان می‌باشد.

خواجه نوری (۱۳۸۵)، در مطالعه‌ای با عنوان "بررسی رابطه مؤلفه‌های فرایند جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان" که در شهرهای تهران، شیراز و استهبان آن‌جام داده از روش "پیمایش" و دو تکنیک "پرسشنامه" و "مطالعه اسنادی" و با حجم نمونه ۲۲۲۸ نفر، در دامنه سنی ۱۶ تا ۴۵ استفاده نموده است. در این پژوهش دنیوی شدن به عنوان یکی از شاخصه‌های جهانی شده‌ی فرهنگ مورد سنجش واقع شده و نتایج مطالعه حاکی از این است که، "دنیوی شدن" بیشترین تاثیر را بر روی هویت اجتماعی زنان داشته است.

اینگلهارت^۱ (۱۳۸۵)، در بخشی از پیمایش خود با عنوان "جهانی شدن و ارزش‌های پسامدرن" ادعان می‌دارد که، جهت‌گیری‌های دینی در حال تغییر و تحول می‌باشند. در یک دنیای نامطمئن مرکب از جوامع معیشتی، نیاز به استانداردهای مطلق و این احساس که قدرت برتر مبری از خطا در نهایت، عاقبت خیر همه امور را تضمین می‌نماید، نیازهای روانی را پاسخگو خواهد بود. او تاکید می‌کند که یکی از کارکردهای کلیدی دین، تامین حس اطمینان به یک محیط ناامن می‌باشد که ناامنی مادی و اقتصادی این نیاز را تشدید می‌نمود. او نشان می‌دهد که جهان بینی پسا مدرن با تقلیل پذیری هنجارهای سفت و سخت دینی ناظر به مسائل سکس، زاد و ولد و نیاز رو به زوال به قواعد مطلق (که علاقه روز افزون به موضوع معنا و مقصود زندگی را موجب می‌شود در ارتباط می‌باشد. در این مطالعه، اینگلهارت با استفاده از پیمایش به این نتیجه می‌رسد که، گر چه سازمان‌های دینی در بسیاری از جوامع صنعتی توسعه یافته کاهش یافته، اما در علاقه‌های معنوی زوال و کاهشی صورت نپذیرفته، و بیشتر تغییر مسیر در گرایش‌های معنوی رخ داده است. شایان ذکر است که این پیمایش در سطح کل جهان آن‌جام شده است.

رادهیگا^۲ (۲۰۰۱)، مطالعه‌ای با عنوان "بازسازی جهانی هندولسیم: مطالعه موردی تأمیل‌های سریلانکا در کانادا" آن جام داده است. که در آن با تأکید بر جهانی-محلّی شدن، تأمیل‌های سریلانکایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در کانادا این گروه به بازسازی دین هندو پرداخته و خود را در سطح جهان مطرح نموده‌اند. نگارنده در این تحقیق، از تجزیه و تحلیل تغییرهای اجتماعی و دینی و با توجه به پارامترهای وسیع، نظریه‌های جهانی شدن را بررسی نموده و به این نتیجه دست یافته که عواملی؛ چون اندازه، جمعیت، ساختار قوی و میزان گستردگی آن و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، و سیاسی و اجتماعی در سطوح حاضر جهان، نقش مهمی در احیای دین در جامعه مورد مطالعه داشته است.

مصطفی^۳ (۲۰۰۳)، در تحقیقی با عنوان "مهاجران ترکیه‌ای در ایالات متحده: ریشه‌های تاریخی و فرهنگی"، به بررسی ریشه‌های مهاجرت ترک‌ها به ایالت متحده پرداخته و یکی از مسائلی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته، نقش دین و تمایلات میهن پرستانه در سازگاری ترک‌ها می‌باشد. نتایج تحقیق بیانگر این است، که عصر جهانی شدن حس میهن پرستی ترک‌ها را به مرور زمان کاهش داده است. اما، دین اسلام به عنوان دینی جهانی و آزاد در درون ترک‌ها تقویت شده و اعتقادهای دینی آن‌ها پایدارتر شده است.

جین کیو^۴ (۲۰۰۶)، مطالعه‌ای با عنوان "رسانه، دین و فرهنگ در کره معاصر: تولید و دریافت نماد گرایی دینی در سریال‌های تلویزیونی روزانه" آن جام داده است. در این پژوهش، انتقال رسانه و دین در چارچوب فرهنگ معاصر کره از طریق سریال‌های تلویزیونی بررسی شده و در آن از رویکرد ترکیبی، کمی و کیفی استفاده شده است. در این تحقیق از روش تحلیل محتوا و مصاحبه عمیق، به عنوان روش غالب بهره گرفته شده است. از ۱۷۵ بخش سریال‌های تلویزیونی به عنوان حجم نمونه و از ۱۱ عضو گروه، جهت مصاحبه عمیق استفاده شده است. نتایج تحقیق به این شرح نشان داده شده است:

۱. دشمنی همگانی - اجتماعی زیادی نسبت به دین نهادی شده در کل، و به خصوص نسبت به مسیحیت وجود دارد؛

۲. کشش زیادی نسبت به ادیان معنوی جایگزین وجود دارد؛

۳. تمایل عمومی زیادی نسبت به دین، معنویات و ماوراء الطبیعه وجود دارد؛

۴. این افزایش جذبه و کشش از طریق جهانی شدن نماد پردازشی و حساسیت دینی و از طریق اشاعه محصولات فرهنگی همگانی افزایش یافته و حمایت می‌شود.

گذری بر مطالعه‌های میدانی آن جام شده نشان می‌دهد که، مسأله رابطه دینداری و نگرش نسبت به جهانی شدن، تنها در پژوهش اینگلهارت به طور کلی مورد بررسی قرار گرفته و در سایر مطالعه‌ها به صورت جزئی به آن پرداخته شده است. بیشتر مطالعه‌های خارجی، دین را بیشتر در قالب سازمان‌ها و جنبش‌های دینی - مذهبی محدود ساخته‌اند و نقش آن را تنها در جنبش‌های ضد جهانی شدن مورد مطالعه قرار داده‌اند و به دین و سایر ابعاد و مفاهیم دینی در مطالعات جهانی شدن اشاره‌های نداشته

است. در اغلب مطالعات داخلی نیز که به رابطه دین و جهانی شدن پرداخته‌اند، دین مساوی با اسلام پنداشته شده و از زاویه درون دینی به تعریف دین و سنجش آن پرداخته شده است که این ایراد، غفلتی بزرگ محسوب می‌شود. چرا که، مصادیق یک مفهوم نباید مساوی مفهوم قرار گیرند و جزء را نیز نمی‌توان به مثابه کل پنداشت و محقق ملزم به ارائه‌ی تعریفی جامع و مانع متناسب با چارچوب روش‌شناسی تحقیق می‌باشد تا بر اساس آن پژوهش را آن‌جام دهد.

۳. رویکردهای نظری در مورد دین و جهانی شدن

در ارتباط با سازگاری یا عدم سازگاری دین و جهانی شدن، رویکردهای متفاوتی وجود دارد. در این زمینه نظر دانشمندان و پژوهندگان به دو دسته کلی قابل تفکیک می‌باشد: کسانی که به سازگاری دین با جهانی شدن معتقدند و کسانی که به تقابل این دو رأی می‌دهند.

۳.۱. نظریه‌های مبتنی بر ناسازگاری دین با جهانی شدن

عده‌ای بر این باورند که، جهانی شدن دارای ریشه‌های عمیق فلسفی بوده که بدون در نظر گرفتن آن‌ها و مقوله‌های عام‌تری؛ مانند مدرنیته، نمی‌توان به تحلیل رابطه دین و جهانی شدن پرداخت و بر این اساس، به وجود تضاد و تعارض میان دین و جهانی شدن معتقدند.

برایان. اس. ترنر^۵، با تأکید بر جنبه‌های فرهنگی جهانی شدن و با رویکرد پست مدرن بر این عقیده می‌باشد که، مصرف‌گرایی غربی بنیان سبک‌های سنتی را ویران نموده و اعمال دینی را از بین می‌برد. این قضیه نه تنها در سطح خود آگاهی بلکه، در سطح عادات نیز رخ می‌دهد و اشاره می‌نماید که سبک زندگی مدرن و مصرف‌گرایی، مناسک دین را با چالش مواجه ساخته است. وی خاطر نشان می‌سازد که، ایمان مذهبی و تعهد دینی، در تقابل با روند کالایی شدن در سیستم جهانی قرار دارد (سیستم‌هایی که به سادگی در سیطره رهبران سیاسی، متفکران و رهبران دینی قرار ندارد). او تأکید می‌نماید که "تباهی ایمان ناب را تینا و کوکاکولا آن‌جام می‌دهد، نه مباحثه‌های منطقی و بررسی‌های عقلانی پیش فرض‌ها و مفاهیم سکولاریسم غربی" (ترنر، ۳: ۱۳۸۵ و ۳۸: ۱۳۸۱).

دیویدهاروی^۶، به عنوان مارکسیست و با گرایش‌های پست مدرن؛ مانند دیگر مارکسیست‌ها در ارتباط دین با جهانی شدن، دین را یکی از اشکال فرهنگی روبنا می‌داند. بنابراین، دین در عصر جهانی شدن که همواره مدرنیته نقش اصلی را در آن ایفاء نموده و سنت در مقابل آن قرار می‌گیرد، نقش چندانی به عهده ندارد. وی بر این باور است که وضعیت ایجاد شده از سوی سرمایه داری، یعنی "گسست فرهنگی و تکثر گرایی"، و با مشخصه مهم آن، یعنی مصرف‌گرایی رو به تزاید و فردی، در نهایت به تضعیف دین منجر می‌گردد. زیرا سرمایه داری با ورود به مقوله فرهنگ و کالایی نمودن عناصر آن؛ در جهت حذف فرهنگ تلاش نموده و در همین راستا دین نیز (به عنوان جزیی از فرهنگ) از این مقوله برحذر نبوده و تناقض میان فرهنگ خاص سرمایه داری، یعنی مصرف‌گرایی و ولذت خواهی با دین سبب می‌گردد که، دین نقش خود را بالطبع در منطق فرهنگ سرمایه داری در عصر

جهانی شدن از دست بدهد (برمن، ۱۰۹: ۱۳۸۳ و کچویان، ۶۱: ۱۳۸۵ و Harvey, 23: 1985).

۳. نظریه‌های مبتنی بر سازگاری دین با جهانی شدن

رویکرد متفاوت دیگری نیز وجود دارد که به رابطه مثبت میان دین و جهانی شدن قائل است. اینان با رد ارتباط عملی میان ریشه‌های مدرنیته و جهانی شدن بر این باورند که، جهانی شدن الزاماً هیچ قرابتی با مدرنیته و فرایندهای آن ندارد؛ زیرا دارای قدمتی بسیار طولانی‌تر می‌باشد. همچنین اینان با تأکید بر پیچیدگی رابطه دین و جهانی شدن، و در عین حال انعطاف‌پذیری ایدئولوژی دین معتقدند که، در جهان دین یک طیف گسترده از آرا و ایده‌های متفاوت وجود دارد.

امانوئل کاستلز^۷، اعتقاد دارد که دین به عنوان یکی از ابعاد بنیادی وجود بشر سرچشمه معنا در جهان بوده و هویت دینی یکی از اساسی‌ترین سرچشمه‌های معنا سازی می‌باشد. باید توجه نمود که تعریف وی از دین، بیشتر معنویت‌گرایی دنیوی شده، معنای عام، و جهان شمول و گسترده‌ی آن می‌باشد. او بر این عقیده است که اکثریت مردم جهان براساس تعریف دیندار می‌باشند. وی یکی از ویژگی‌های جامعه و فراتر از آن، یکی از خصلت‌های طبیعت بشری را جستجوی ملجأ و پناهگاهی در حوضه‌ی دین می‌داند. ترس از مرگ و آلام زندگی، بشر را برای ادامه حیات خود محتاج به خدا و ایمان به او می‌نماید. و بر این عقیده است که بیرون از قلب ما خداوند منزل و جایگاهی ندارد. بنابراین، تعریف دین در عصر جهانی شدن همواره جایگاه خاص خود را به عنوان معنا آفرینی و آفریننده معنویت حفظ خواهد نمود و هویت را برای انسان‌های جهانی شده در جامعه شبکه‌ای ایجاد می‌نماید. اما، نکته‌ای که نباید در دیدگاه کاستلز از آن غفلت نمود، بحث افراطی دینداری و تعریف تنگ دامنه از دین می‌باشد که به حضور بنیادگرایی دینی منجر می‌گردد. او اشاره می‌نماید که جنبش‌های بنیادگرایی دینی حالتی انفعالی داشته و در مقابله با شرایط بی‌معنایی و بی‌نظمی هویتی شکل می‌گیرند. در مجموع او برای ادیان سنتی و بزرگ جهانی در فرایند جهانی شدن جایگاهی قائل نیست (کاستلز، ۲۶۰: ۱۳۸۰ و ۱۶۴: ۱۳۸۴).

رولند رابرتسون^۸، دین را به عنوان متغیری مستقل و تعیین کننده در عرصه جهانی شدن معرفی می‌نماید و به نقش مقدس و کاربرد دین در جهانی شدن اذعان دارد. او اعتقاد دارد جهانی شدن حداقل در دوره‌ای نسبتاً کوتاه مدت، دین و دینداری را قوت و شدت می‌بخشد و از لحاظ ماهوی جهانی شدن را امری دینی یا متضمن امر دینداری می‌داند و بر این باور است که، دغدغه‌های بشری، دغدغه‌های غایی و به اعتبار پیوندی که با سؤال‌هایی غایی انسان در مورد خود، جهان، آینده و گذشته دارد، دغدغه‌های دینی می‌باشند. اما، در جهان با نظم مدرنیته موجود، عالم ماهیتی شبه دینی دارد. وی معتقد است که، احیای دین و جنبش‌های دینی در جهان حاضر، به جهانی شدن و به واکنش‌ها در برابر برداشت از جهان (به مثابه یک مکان واحد) بر می‌گردد. نکته حایز اهمیت در خصوص رابطه دین و جهانی شدن از دیدگاه رابرتسون این است که، وی مشکل اصلی و درد سر دین برای جهانی شدن را در مقوله خاص شدن عام می‌پندارد، جایی که ادیان و جنبش‌های دینی، ارزش‌ها و فرهنگ‌های خاص

خود را به صورت عام مطرح و ارائه می‌نمایند. این جا است که برداشت محدود و مخالف با ارزش‌های جهان شمول از دین یا جنبشی خاص، مخالف جهانی شدن و سد راه آن می‌گردد. در مجموع از منظر رابرتسون، دین قدرت غایت آفرینی، دغدغه زایی و هویت بخشی خود را کماکان در عرصه مدرنیته و جهانی شدن دارد و تنها ادیانی که در کنار سایر ادیان با تکرر فرهنگی و نسبی‌گرایی مخالفند، علیه پست مدرنیسم و در تقابل با جهانی شدن قرار می‌گیرند (Robertson, 220: 1987) و کچویان، ۱۱۴: ۱۳۸۵).

فرانک لخنر^۱، تأکید می‌نماید که هیچکدام از نظریه‌های جهانی، یک پیوند ضروری بین دین و جهانی شدن را ادعا نمی‌نمایند. او برای هر کدام از چارچوب‌های تشریح شده نقش دین را وابسته و مشروط دانسته و رابطه دین با جهانی شدن را بیشتر با توجه به نقش و فرایند تاریخی دین تبیین می‌نماید. او دین را در جهانی شدن از سه دیدگاه قابل بحث می‌داند:

۱. دین به عنوان منبع جهانی شدن: در این دیدگاه دین ممکن است به عنوان یک مدل و محرک برای ساختن مولفه‌های جامعه جهانی عمل نماید و می‌تواند یک منبع مهم برای جهانی شدن محسوب شده و اهمیت نسبی آن در طول زمان متنوع باشد؛

۲. دین به عنوان یک مؤلفه جهانی شدن: در این دیدگاه، دین دارای مزیت مجزایی در خلق جامعه مدنی می‌باشد و می‌تواند یک نقش خاص در فصل مشترک جریان‌های فرهنگی و اجتماعی ایفا نماید. جهانی شدن با افزایش رقابت بازار، کاهش کنترل دولت، افزایش منابع فراملیتی و یک فرهنگ جهانی باز، فرصت‌هایی را برای ادیان به وجود می‌آورد. با این وجود در دنبال نمودن آنها، دین تابع قوانین نهادهای فراملیتی و جهانی می‌باشد؛

۳. دین به عنوان مفسر جهانی شدن: در این دیدگاه، ادیان با توجه به تمایلات جهانی تمایل دارند که در طول زمان، بیشتر به حکومت جهانی به عنوان یک سیستم جهانی کاملاً بنا شده متصل گردند (Lechner, 1-28: 2000).

بنا بر تعبیر پیتر بیر^{۱۰}، دین در عصر جهانی شدن بیشتر خصوصی می‌شود، یعنی به حوزه مسائل شخصی و تعلقات افراد می‌پردازد. اما، در دین زمینه‌ی باروری را برای نفوذ عمومی آن نیز فراهم می‌نماید تا بتواند مبنای تکالیف جمعی قرار گیرد. نکته حائز اهمیت در نظریه‌ی وی، تأکید بر نقش فراگیر و در برگیرنده دین می‌باشد، که اساساً متوجه سایر قلمروهای کارکردی و تنظیم روابط آنها می‌باشد، که در عصر جهانی شدن با عنایت به تفکیک یابی کارکردی و عقلانیت ابزاری و فنی موجود در آن، دین با منطق خاص خود که حاکی از آن دنیایی بودن و الزامات و تجویزهای دینی می‌باشد، در تقابل با منطق ابزاری و ساز و کارهای این جهانی قرار دارد. وی تشدید جهانی شدن جوامع در قرن اخیر را، حاصل شرایطی می‌پندارد که پرورش دهنده اشکال اجتماعی خاص دین و ادیان می‌باشد و معتقد است که جهانی شدن سبب تجدید ساختار سازمان‌های دینی، جهت احیای مجدد ادیان می‌گردد. بر این اساس، وی کاربرد دین را وام گرفته از شرایط مدرنیته و جهانی شدن می‌داند که منجر

به حضور مجدد دین در عرصه عمومی گردیده است، (حضوری که در قالب‌های متفاوت و اشکال مختلف بروز نموده است.) شایان ذکر است، که او علاوه بر این که به حضور دین در عرصه شخصی و به پاسخگویی دین به دغدغه‌های وجودی اذعان دارد، ولی از یک طرف به خاطر جهانی شدن (که با عقلانیت ابزاری و آن دنیایی بودن در تقابل قرار دارد) و اما از سوی دیگر با توجه بر جامع بودن دین، بر بروز کاربردهای دینی با اشکال متفاوت در عصر جهانی شدن تأکید فراوان می‌نماید (Beyer, 8: 1994; 2: 1995 and 2003).

تاملینسون^{۱۱}، با رویکردی اگزیستانسیالیستی، فرهنگ را به عنوان «سطحی از زندگی که در آن انسان‌ها به کمک راه و رسم‌های باز نمایی نمادین، به ساختن معنا می‌پردازند» تعریف می‌نماید. دین به عنوان یکی از مقوله‌های مطرح در فرهنگ، بخش معنا آفرینی و هدف‌زایی را عهده دار می‌باشد. وی با تأکید بر تعامل میان دین و جهانی شدن، اعتقاد دارد که هم جهانی شدن برای فرهنگ اهمیت دارد و هم فرهنگ برای جهانی شدن. وی همچنین اشاره می‌کند که، راه‌های ورود به مدرنیته و دست‌یابی به جهانی شدن زیاد و متنوع بوده و به نقل از راشد الغنوشی می‌گوید: دین، تاریخ و تمدن مسلمانان، تنها راه دست‌یابی آنان به مدرنیته می‌باشد. او با تأکید بر دیدگاه جهانی-محلی گرایانه بر این باور است که، منطقه زدایی منجر به منطقه‌ای شدن مجدد می‌شود. بر این اساس، با توجه به نظریه وی در خصوص جهانی شدن، می‌توان با توجه به اهمیت دین در فرهنگ، به ارتباط متقابل امر دینی و امر جهانی در آرای وی پی برد. به تعبیر دیگر، او رد قاطعانه دنیوی شدن در عین پذیرش جهانی شدن را از نشانه‌های منطقه زدایی و ارتباط موثر دین و جهانی شدن محسوب نموده و مثال ممنوع بودن خوردن مشروبات الکلی در حریم هوایی عربستان را، مصداقی از حضور سرزمین در قلمرو معنا انگاشته و آن را نمونه بارز حضور موثر و مشهود دین، در عرصه جهانی شدن می‌پندارد (تاملینسون، ۴۰-۱۸: ۱۳۸۱ و شورمان، ۶: ۱۳۸۵).

پیتر. ال. برگر^{۱۲}، جهانی شدن را مجموعه بسیار پیچیده از پدیده‌هایی می‌داند که، کلیشه‌های عامه پسند امپریالسم امریکا پیشنهاد می‌دهند. وی عصر حاضر را «عصر جهانی دین» دانسته، و معتقد است: «آن‌هایی که از نقش دین در تحلیل مسایل جهان معاصر غفلت می‌ورزند، مرتکب خطای بزرگی می‌شوند». وی معتقد است، جنبش‌های مختلف دینی در سراسر دنیا، بر اندیشه‌ی مدرنیته و دنیوی شدن مبنی بر افول دین، (هم در سطح جامعه و هم در سطح فردی) خط بطلان کشیده‌اند. وی بیان می‌نماید که در عرصه جهانی دین، حرکت‌های محافظه کارانه، ارتدکس یا سنتی وجود دارد که تقریباً در همه جا روندی رو به رشد داشته‌اند. به همین ترتیب، خیزش‌های چشمگیر محافظه کاری دینی در بسیاری از جوامع مهم دینی؛ مانند اسلام، هندویسم و بوداییسم و همچنین در جوامع کوچک تر؛ نظیر شینتو در ژاپن و سیکسزم در هند به چشم می‌خورد. وی وجه اشتراک این حرکت‌ها، را الهام پذیری آن‌ها از دین دانسته و با استثنا دانستن اروپای غربی، روشنفکران و نخبگان جهانی، صحت و اعتبار نظریه دنیوی شدن را به چالش می‌کشد و بر این باور است که جهان امروز، جهانی به شدت دینی است.

وی شک و شبه‌های ایجاد شده از سوی مدرنیته در مورد قطعیات، و بیگانگی مردم با دیدگاه‌های دنیوی شدن و احساس خطر آنان از سوی مدرنیته و عناصر دنیوی آن را، از جمله عوامل مهم، در رستاخیز دین در عصر جهانی شدن و مقبولیت حرکت‌های دینی (که رنگ و بوی ضد دنیوی دارند) در میان مردم می‌داند. برگر، در مورد آینده جنبش‌های دینی نیز معتقد است، هیچ دلیلی وجود ندارد که جهان آینده را کمتر از جهان دینی امروز بدانیم. وی وجه اشتراک خیزش‌های دینی مختلف را، اتفاق نظر آن‌ها بر سر این موضوع که فرهنگ معاصر دنیوی شده پاسخگوی نیازهای انسانی نیست می‌داند و معتقد است "آنچه آنان در مورد آن اتفاق نظر دارند، بی محتوا بودن فرهنگی است که تلاش دارد بدون هیچ گونه پایگاه متعالی، همه‌گیر و فراگستر شود" (برگر، ۸-۲۷: ۱۳۸۰ و ۵۰-۴۵: ۱۳۸۴ و Berger, 11-23: 2005).

۴. چارچوب مفهومی پژوهش

گیدنز، جهانی شدن را یکی از پیامدهای مدرنیته دانسته و آنرا به عنوان دورانی مابعد مدرنیته در نظر نمی‌گیرد. از این رو جهانی شدن و فرایندهای آنرا از درون مدرنیته جستجو می‌کند چرا که معتقد است، مدرنیته پدیده‌ای ذاتا جهانی بوده و این موضوع را در بعضی از بنیادی‌ترین ویژگی‌های حیات مدرن، از جمله باز اندیشی، از جا کنندگی و نظام‌های تخصصی جستجو می‌کند (تاملیسون، ۵۷: ۱۳۸۱؛ کچویان، ۸۴-۸۰: ۱۳۸۴ و جلالی‌پور، ۳۶-۹: ۱۳۸۴).

او منشا پویایی مدرنیته را سه عامل عنوان می‌نماید:

۱- جدایی زمانی- مکانی: این همان شرط و ویژگی فاصله‌گیری گسترده زمانی می‌باشد که منجر به منطقه بندی زمانی و مکانی می‌شود و ویژگی و شرط اصلی و زیر بنایی برای فرایند از جا کردن به شمار می‌آید

۲- تحول مکانیسم‌های از جا کنندگی: این مکانیسم‌ها، فعالیت اجتماعی را از محلی بودن دور می‌نماید و روابط اجتماعی رادر گستره وسیع‌تر زمانی و مکانی تجدید ساختار می‌کند.

۳- تخصیص باز اندیشانه دانش: تولید دانش درباره زندگی اجتماعی به بخش جدانشدنی باز تولید نظام تبدیل می‌شود و منجر به عدم قطع نسبت‌ها می‌گردد (گیدنز، ۱۰: ۱۳۸۵ و گیدنز، ۱۶۵-۲۱: ۱۳۷۷).

گرچه گیدنز ابعاد جهانی شدن را چهار بعد نظام دولت - ملت، اقتصاد سرمایه داری جهانی، سازمان نظام جهانی و تقسیم کار بین المللی می‌داند (گیدنز، ۸۵: ۱۳۷۷) اما این فرایند را صرفا اقتصادی ندانسته؛ بلکه، آنرا سیاسی و فرهنگی نیز می‌داند و ارتباطات را مهمترین عامل تأثیر گذار بر جهانی شدن می‌داند. وی متذکر می‌شود که عامل دگرگونی زندگی اقتصادی، بازارهای اقتصادی و مالی نبوده و این "انقلاب ارتباطات" بوده که زندگی ما را تحت الشعاع خود قرار داده است. او ارتباطات الکتریکی را فقط به شیوه‌ای که اخبار و اطلاعات سریع را می‌رساند محدود نساخته بلکه، اشاره می‌کند

که در کلیه‌ی امور زندگی ما تغییراتی بی‌شمار ایجاد نموده است. وی این دیدگاه که جهانی شدن فقط مربوط به نظام‌های بزرگ؛ مثل نظام مالی و اقتصادی است را تصویری از اساس باطل می‌داند. او معنای حداقلی جهانی شدن را "وفاق واشنگتن" تصور می‌کند، که همان گسترش و توسعه بازارهای رقابتی بوده و معنایی که خود به کار می‌برد مفهوم غنی جهانی شدن می‌باشد چرا که، وی تعریف جهانی شدن بر مبنای اقتصاد را کاری اشتباه می‌داند. او جهانی شدن را دگرگونی نهادی بنیادی، جامعه جهانی تعریف می‌کند (گیدنز، ۹۶-۷۶: ۱۳۸۴ و گیدنز، ۱۰: ۱۳۸۵ و Giddens, 3: 1995).

گیدنز، در مباحث جهانی شدن و فرهنگ، مدرنیته متاخر و مدرنیزاسیون باز اندیشانه خود، به طور خاص اشاراتی به برای نقش دین در جهانی شدن دارد. اما، باید توجه داشت که چهارچوب اساسی گیدنز در تحلیل خردترین پدیده‌های اجتماعی تا کلان‌ترین آنها، مفهوم ساختار بندی است. بنابراین، می‌توان نقش دین در دنیایی با ساختارهای جهانی را نیز از منظر ساختار بندی دید و تحلیل کرد.

در این دیدگاه، گیدنز^{۱۳} هم نقش ساختار اجتماعی و هم نقش کنشگر یا عاملیت را هر دو تعیین کننده می‌داند. پس در جهانی شدن، دین کنشگر (همچنان که وی اشاره می‌نماید) متعهد به ساختار نیست، بلکه نقشی فعالانه دارد. وی زنده شدن دوباره زبان‌هایی که قبلاً به هیچ وجه مطرح نبوده و خیزش دوباره فرهنگ‌های بومی و محلی را، نشان دهنده خصوصیت دیالکتیک پدیده جهانی شدن دانسته و معتقد است که، جهانی شدن و فرد بر روی همدیگر تأثیر متقابل می‌گذارد. با توجه به ساختار و عاملیت است که وی جهانی شدن را پدیده‌های کاملاً خارجی ندانسته و خاطر نشان می‌کند که جهانی شدن را مردم طی زندگی روزمره خود تولید می‌کنند. اما، این تولیدات جهانی شدن منجر به دنیایی تساوی طلبانه نمی‌گردد. وی نکته مهم جهانی شدن را در این می‌داند که کسی بیرون از گود قرار نداشته و همه به نسبت‌های متفاوت از جهانی شدن سهم می‌برند (گیدنز، ۱۱۶: ۱۳۷۷؛ جلائی‌پور، ۳۶: ۱۳۸۴ و ریتزر، ۷۰۴: ۱۳۷۹). او با اشاره به رشد بنیاد گرایی در مقابل غربی، شدن و همچنین اعتقاد هشتاد در صد بریتانیایی‌ها به یکتایی خداوند، رشد صدها فرقه و کیش گوناگون در کنار کلیسای رسمی و زنده نگه داشتن مجموعه وفاداری‌های مذهبی پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها در ایرلند شمالی و سفر پاپ به کشورهای متفاوت را، نشانی از حضور دین در عصر جهانی شدن می‌داند. وی تأکید می‌کند که سنت قدیمی و کهنه نمی‌باشد و تنها نگرانی گیدنز درباره سنت و به خصوص دین، به تعریف افراطی از دین و نوع برداشتی که منجر به خشونت می‌شود و تمامیت خواهی دین (که منجر به پایمال شدن ارزش‌های عام و جهانی شدن می‌گردد) بر می‌گردد. او اشاره می‌کند که آیا ما می‌توانیم در جهانی زندگی کنیم که هیچ چیز مقدسی نباشد؟ (Giddens, 5: 2000 and 75: 2005). او در ارزیابی خویش در مورد دین معتقد است که «شاید کمتر کسی در این جهان باشد که هرگز تحت تأثیر احساس‌های مذهبی قرار نگرفته باشد و علم و تفکر عقل‌گرایانه را در برابر سوالی اساسی؛ مانند معنا و هدف (زندگی موضوع‌هایی که همیشه اساس دین بوده است) ساکت ندیده باشد». چنان که گذشت گیدنز قائل به نقش دین در عصر جهانی شدن می‌باشد. اما، فهم وی و برداشت او از دین در عصر

جهانی شدن، قطعاً با مفهوم دین و معنایی که در همه امور زندگی حضور دارد متفاوت می‌باشد، وی دین را به معنای مجموعه اعتقادهای فوق طبیعی، در عصر جهانی در حال کاهش می‌بیند (گیدنز، ۵۲۴: ۱۳۸۲).

در تحلیل نظریه‌های فوق، نکته قابل توجه‌ای که باید در نظر داشت این است که، نظریه پردازان چه رویکردی نسبت به دین و جهانی شدن داشته‌اند و چه تعریفی از آن‌ها را مد نظر قرار داده‌اند. اما، آنچه در تمامی موارد فوق مشاهده می‌شود این است که، هیچیک از نظریه پردازان فوق دین را به اشکال سنتی آن در نظر نداشته‌اند و در عین حال قرائت‌های ارتدوکس و بنیادگرایانه‌ی دینی را در تقابل با جهانی شدن در نظر می‌گیرند.

در این پژوهش، با استفاده از نظریه گیدنز به سنجش دینداری و نگرش نسبت به جهانی شدن پرداخته شده است. در این تحقیق به منظور اندازه‌گیری گرایش به جهانی شدن، نظریه‌ی گیدنز در چهار بعد: ۱- ارتباطات ۲- فرهنگ ۳- اقتصاد ۴- سیاست، مورد سنجش واقع شده است. جهت سنجش گرایش به جهانی شدن در حوزه اقتصاد، تمایل پاسخگویان به پیوستن به سازمان تجارت جهانی، کاهش تعرفه‌های واردات جهت گسترش تجارت خارجی، ارتباط با شرکت‌های چند ملیتی در راستای بهره‌گیری از تخصص آنان، گرایش به تجارت الکترونیکی، سرمایه‌گذاری خارجی، خصوصی سازی و بورس و... با یازده گویه مورد سنجش قرار گرفته و پاسخگویان میزان موافقت و مخالفت خود را نسبت به آن‌ها ابراز داشته‌اند. همچنین در این پژوهش، گرایش به جهانی شدن سیاست با استفاده از ده گویه که در بردارنده گرایش پاسخگویان به انتخابات آزاد، تکثر احزاب، تأکید بر آزادی‌های مدنی و حقوق شهروندی، NGOها، سازمان‌ها و جنبش‌های سیاسی بین‌المللی، تمایل به دموکراسی و... می‌باشد، مورد سنجش قرار گرفته است. حوزه فرهنگ در جهانی شدن؛ شامل اعتقاد به آزادی بیان، تکثر دینی، برابری‌های جنسیتی، یکسان سازی تمایل‌های فرهنگی در حوزه‌های پوشش، غذا، موسیقی و فیلم، و احترام به فرهنگ‌های ملی و محلی و... با یازده گویه مورد سنجش قرار گرفته و در مبحث جهانی شدن ارتباطات نیز، با استفاده از یازده گویه که در بردارنده گرایش پاسخگویان در تمایل به استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی نوین؛ شامل اینترنت، پست الکترونیکی، چت، ویلاک، پیام کوتاه، همچنین استفاده از موبایل و ماهواره و... می‌باشد، سنجش صورت گرفته است.

جهت سنجش میزان دینداری پاسخگویان، از سنجش‌های مدل "کلاک" و "استارک" جهت عملیاتی کردن تعریف اسمی دین استفاده شده زیرا، این مدل به دلیل چند بعدی بودن برای مطالعه هر نوع دینی مناسب می‌باشد. مدل "کلاک" و "استارک" شامل پنج بعد می‌باشد اما، چون بعد فکری (دانش دینی) به عواملی؛ مانند قدرت حافظه و میزان تحصیلات بستگی دارد، معرف مناسبی جهت دینداری نمی‌باشد (سراج زاده، ۷۴-۶۹: ۱۳۸۳) بنابراین، به چهار بعد از این مدل اشاره می‌شود:

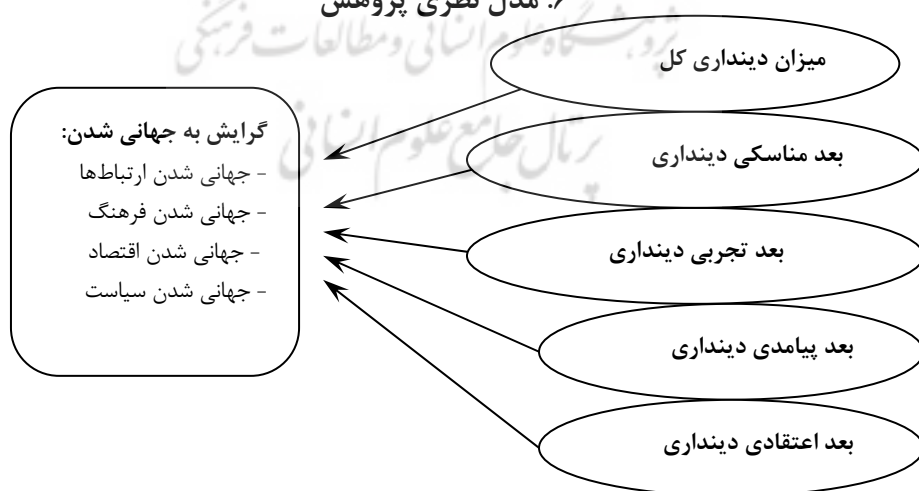
۱- بعد اعتقادی (باورهای دینی): باورهایی که انتظار می‌رود پیروان یک دین به آن‌ها اعتقاد داشته باشند؛ مانند اعتقاد به وجود خدا.

- ۲- بعد مناسکی (اعمال دینی): شامل اعمالی می‌شود که پیروان ادیان مختلف، وابسته به دین خود آن‌جا می‌دهند؛ مثل عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های خاص.
- ۳- بعد تجربی (عواطف دینی): مربوط به عواطف، احساس‌ها و تصورات است که در ارتباط واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی همچون خدا می‌باشد؛ مثل ستایش.
- ۴- بعد پیامدی (آثار دینی): ناظر بر اثرات باورها و اعمال، تجربه‌ها و دانش، بر زندگی روزمره پیروان هر آیین می‌باشد.

۵. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین میزان دینداری و ابعاد آن در میان پاسخگویان، با گرایش به جهانی شدن ارتباطها رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین میزان دینداری و ابعاد آن در میان پاسخگویان، با گرایش به جهانی شدن فرهنگ رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین میزان دینداری و ابعاد آن در میان پاسخگویان، با گرایش به جهانی شدن اقتصاد رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین میزان دینداری و ابعاد آن در میان پاسخگویان، با گرایش به جهانی شدن سیاست رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین میزان دینداری و ابعاد آن در میان پاسخگویان، با گرایش به جهانی شدن رابطه معناداری وجود دارد.

۶. مدل نظری پژوهش



۷. روش تحقیق

این پژوهش به روش کمی و با استفاده از تکنیک پیمایش انجام شده است. با توجه به حجم نمونه آماری، از ابزار پرسشنامه برای جمع آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، کارمندان شاغل در منطقه ویژه انرژی پارس، واقع در عسلویه می‌باشد که تعداد آن‌ها حدود ۵۰۰۰ می‌باشد و در این تحقیق از روش نمونه‌گیری طبقه بندی شده که در واقع شکل اصلاح شده نمونه‌گیری تصادفی ساده و سیستماتیک می‌باشد، استفاده شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، در سطح معنا داری ۹۵ درصد و خطای نمونه‌گیری ۴ درصد، ۵۳۶ نفر انتخاب گردید. در این پژوهش برای دستیابی به اعتبار ابزار سنجش، اعتبار صوری پرسشنامه به وسیله‌ی تعدادی از صاحب‌نظران مورد بررسی و تایید قرار گرفت و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از طیف‌ها نشان داد که، ابزار سنجش از پایایی بالایی برخوردار است.

۸. یافته‌های پژوهش

در این قسمت به نتایج به دست آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی پرداخته می‌شود. ابتدا به توصیف خصوصیات نمونه مورد مطالعه اشاره می‌شود و سپس تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها بیان می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد، از کل پاسخگویان ۷۴/۸ درصد مرد و ۲۵/۲ درصد زن می‌باشد. ۵۹/۹ درصد دارای تحصیلات در سطح کارشناسی، ۱۳/۶ درصد کاردانی، ۱۳/۲ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر و همچنین ۱۳/۲ درصد از پاسخگویان دیپلمه می‌باشند. رشته تحصیلی دانشگاهی ۴۰/۸ درصد پاسخگویان علوم انسانی، ۳۴/۵ درصد مهندسی، ۹/۳ درصد علوم پایه، ۱/۹ درصد پزشکی و ۱۳/۲ درصد دیپلمه می‌باشند. نوع سکونت ۵۹/۲ درصد از پاسخگویان اقماری و ۴۱/۸ درصد، ساکن در منطقه می‌باشند. ۴۱/۸ درصد پاسخگویان متولد شهرستان، ۳۳/۸ درصد متولد مرکز استان و ۲۴/۴ درصد، روستایی می‌باشند. همچنین ۵۷/۸ درصد از پاسخگویان فارس، ۲۰ درصد ترک و ۱۳/۴ درصد لر می‌باشند و ۸/۸ درصد از سایر اقوام؛ مانند کرد، ترکمن، بلوچ و عرب می‌باشند. میانگین درآمد خانوادگی پاسخگویان، ۸۵۹۸۹۶۰ ریال می‌باشد. همچنین، ۴۲/۲ درصد از پاسخگویان در مشاغل اداری و مالی مشغولند. ۳۵/۳ درصد فنی، ۱۲/۳ درصد، عملیاتی و ۱۰/۳ درصد نوع شغل شان بازرگانی می‌باشد و میانگین سابقه شغلی پاسخگویان، نزدیک ۸ سال می‌باشد.

جدول شماره ۱، توزیع فراوانی و درصد میزان دینداری پاسخگویان را در ابعاد مختلف، به عنوان متغیر اساسی این مطالعه نشان می‌دهد. از حیث اعتقاد دینی ۱۳/۱ درصد از پاسخگویان در سطح پایین، ۷۸ درصد در سطح متوسط و ۹ درصد در سطح بالا قرار دارند. در بعد تجربی دینداری، ۱۴/۹ درصد از پاسخگویان در سطح پایین، ۷۴/۴ درصد در سطح متوسط و ۱۰/۶ درصد در سطح بالا قرار می‌گیرند. همچنین ۱۱/۲ درصد در حد پایین به بعد مناسکی دین پایبندند، ۷۸/۵ درصد در حد متوسط و ۱۰/۳ درصد در حد بالا به آن جام مناسک دینی می‌پردازند. در بعد پیامدی دینداری، ۱۴

درصد از پاسخگویان در سطح پایین، ۷۱/۵ درصد در حد متوسط و ۱۴/۶ درصد در سطح بالا قرار دارند. جمع نمره دینداری کل پاسخگویان در ابعاد چهارگانه فوق نیز بیانگر آن است که، در نمونه مورد مطالعه، ۱۱ درصد در سطح پایین، ۸۱/۵ درصد در سطح متوسط و ۷/۵ درصد در سطح بالای دینداری قرار دارند. بر اساس اطلاعات موجود در جدول، ضریب روایی (آلفای کرونباخ) بعد اعتقادی دینداری با ۱۰ گویه ۸۶/۱۲٪، بعد تجربی دینداری با ۶ گویه ۷۹/۰۴٪، بعد مناسکی دینداری با ۹ گویه ۸۴/۶۲٪، بعد پیامدی دینداری با ۸ گویه، ۸۲/۱۲٪ و در نهایت مجموع دینداری کل که مجموع تمام ابعاد ذکر شده در بالا می‌باشد، با تعداد ۳۳ گویه، ۷۹/۲۲٪ می‌باشد، که همگی بر روایی قابل قبول ابزار سنجش مذکور دلالت می‌کند.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد میزان دینداری پاسخگویان به تفکیک ابعاد مختلف

ابعاد دینداری	ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	پایین	متوسط	بالا	جمع
بعد اعتقادی دینداری	۸۶/۱۲	۱۰	۷۰ ٪۱۳/۱	۴۱۸ ٪۷۸	۴۸ ٪۹	۵۳۶ ٪۱۰۰
بعد تجربی دینداری	۷۹/۰۴	۶	۸۰ ٪۱۴/۹	۳۹۹ ٪۷۴/۴	۵۷ ٪۱۰/۶	۵۳۶ ٪۱۰۰
بعد مناسکی دینداری	۸۴/۶۲	۹	۶۰ ٪۱۱/۲	۴۲۱ ٪۷۸/۵	۵۵ ٪۱۰/۳	۵۳۶ ٪۱۰۰
بعد پیامدی دینداری	۸۲/۱۲	۸	۷۵ ٪۱۴	۳۸۳ ٪۷۱/۵	۷۸ ٪۱۴/۶	۵۳۶ ٪۱۰۰
دینداری کل	۷۹/۲۲	۳۳	۵۹ ٪۱۱	۴۳۷ ٪۸۱/۵	۴۰ ٪۷/۵	۵۳۶ ٪۱۰۰

۹. جهانی شدن و ابعاد آن

در این پژوهش، متغیر گرایش به جهانی شدن در چهار بعد: ارتباطات، فرهنگ، اقتصاد و سیاست سنجیده شده است. جدول شماره ۲، توزیع فراوانی و درصد گرایش پاسخگویان نسبت به جهانی شدن را به تفکیک در ابعاد فوق نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که، ۲۲/۹ درصد از کل پاسخگویان گرایش ضعیفی به جهانی شدن ارتباطات از خود نشان داده‌اند، ۵۸ درصد گرایشی متوسط و ۱۹ درصد گرایش بالایی به جهانی شدن ارتباطات داشته‌اند. ضریب آلفای کرونباخ گویه‌های سنجش گرایش پاسخگویان نسبت به جهانی شدن ارتباطات که ۱۱ گویه می‌باشد، در حدود ۹۰/۸۲٪ می‌باشد. همچنین بررسی گرایش پاسخگویان نسبت به جهانی شدن فرهنگ با ۱۱ گویه و ضریب آلفای کرونباخ آن ۷۷/۲۴ درصد بوده که نشان می‌دهد ۱۵/۷ درصد از پاسخگویان گرایش ضعیف، ۶۷/۲ درصد در حد

متوسط، و سرانجام ۱۷/۲ درصد از کل پاسخگویان دارای گرایش بالا به این بعد از جهانی شدن بوده‌اند. همچنین نتایج جدول بیانگر آن است که، گرایش پاسخگویان نسبت به جهانی شدن اقتصاد با ۱۱ گویه سنجیده شده و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰.۸۷/۳۰ می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که، ۱۵/۱ درصد پاسخگویان در حد ضعیف، ۶۹/۶ درصد در حد متوسط و ۱۵/۳ درصد در حد بالا به جهانی شدن اقتصاد گرایش داشته‌اند. در نهایت نتایج جدول نشانگر آن است که، گرایش پاسخگویان به جهانی شدن سیاست با ۱۰ گویه با آلفای ۰.۷۹/۲۵ سنجیده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ۱۷/۵ درصد پاسخگویان در حد ضعیف و ۶۷ درصد در حد متوسط و ۱۵/۵ درصد در حد بالا، نسبت به جهانی شدن در حوزه سیاست گرایش داشته‌اند. از ترکیب ابعاد چهارگانه فوق در مورد جهانی شدن، شاخص گرایش نسبت به جهانی شدن با تعداد ۴۳ گویه ساخته شده است که، ضریب آلفای کرونباخ آن برابر با ۰.۹۰/۲۸ می‌باشد. چنانچه در جدول مشاهده می‌شود، ۱۲/۹ درصد از کل پاسخگویان در حد ضعیف، ۷۰ درصد در حد متوسط و ۱۷/۲ درصد در حد زیادی به جهانی شدن تمایل نشان داده‌اند.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد میزان گرایش پاسخگویان نسبت به جهانی شدن و ابعاد آن

جمع	بالا	متوسط	پایین	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ	ابعاد گرایش به جهانی شدن
۵۳۶ ٪۱۰۰	۱۰۲ ٪۱۹	۳۱۱ ٪۵۸	۱۲۳ ٪۲۲/۹	۱۱	٪۰.۸۰/۸۲	جهانی شدن ارتباطات
۵۳۶ ٪۱۰۰	۹۲ ٪۱۷/۲	۳۶۰ ٪۷۶/۲	۸۵ ٪۱۵/۷	۱۱	٪۰.۷۷/۲۴	جهانی شدن فرهنگ
۵۳۶ ٪۱۰۰	۸۲ ٪۱۵/۳	۳۷۳ ٪۶۹/۶	۸۱ ٪۱۵/۱	۱۱	٪۰.۸۷/۳۰	جهانی شدن اقتصاد
۵۳۶ ٪۱۰۰	۸۳ ٪۱۵/۵	۳۵۹ ٪۶۷	۹۴ ٪۱۷/۵	۱۰	٪۰.۷۹/۲۵	جهانی شدن سیاست
۵۳۶ ٪۱۰۰	۹۲ ٪۱۷/۲	۳۷۵ ٪۷۰	۶۹ ٪۱۲/۹	۴۳	٪۰.۹۰/۲۸	جهانی شدن

جدول شماره ۳ بیانگر رابطه ابعاد دینداری با گرایش به جهانی شدن ارتباطات می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که، ابعاد دینداری ۴۳/۳ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارند و همچنین ۱۸/۸ درصد از واریانس جهانی شدن فرهنگ را، چهار بعد دینداری تبیین می‌نمایند، که این ضریب جهت تعمیم کل جامعه مورد مطالعه، ۱۸/۲ درصد می‌باشد. با توجه به مقادیر F و سطح معناداری موجود در جدول، بین ابعاد دینداری با گرایش به جهانی شدن ارتباطات در سطح معناداری بیش از ۹۹ درصد معنادار است و فرضیه تایید می‌گردد. همچنین نتایج جدول ذیل با توجه به ضریب بتا نشان دهنده آن

رابطه‌ی دینداری و گرایش به جهانی شدن در میان کارکنان ... / ۱۷۷

است که، ابعاد دینداری مناسکی و پیامدی همبستگی معکوس با متغیر گرایش به جهانی شدن ارتباطها دارند. اما، این رابطه به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد و تنها رابطه میان بعد پیامدی دینداری با متغیر وابسته، معنادار می‌باشد.

جدول ۳: معادله رگرسیون چند متغیره رابطه میان ابعاد مختلف دینداری با گرایش به جهانی شدن ارتباطها

نام متغیر	B	انحراف معیار	Beta	مقدار T	سطح معناداری
بعد اعتقادی دینداری	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۷	-۰/۰۲۳	-۰/۴۲۴	۰/۶۷۲
بعد تجربی دینداری	-۰/۰۰۲	۰/۰۱۴	-۰/۰۰۹	-۰/۱۴۷	۰/۸۸۳
بعد مناسکی دینداری	۰/۰۱۳	۰/۰۰۹	۰/۰۸۰	۱/۴۱۱	۰/۱۵۹
بعد پیامدی دینداری	۰/۰۵۷	۰/۰۰۸	۰/۳۷۹	۷/۳۴۴	۰/۰۰۰

R=433 R²=188 ADJ.R² =182 F= 30/672 Sig=0/000

جدول شماره ۴، معادله رگرسیون چند متغیره رابطه میان ابعاد متغیر دینداری با گرایش به جهانی شدن فرهنگ می‌باشد. یافته‌های جدول حاکی از این است که، در میان ابعاد مناسکی و پیامدی دینداری، با گرایش به جهانی شدن فرهنگ همبستگی مستقیمی وجود دارد. بر اساس ضریب بتای موجود در جدول، بعد اعتقادی دارای همبستگی منفی می‌باشد و رابطه ابعاد اعتقادی و تجربی با گرایش به جهانی شدن فرهنگ، از جهات آماری معنادار نمی‌باشد اما، دو بعد مناسکی و پیامدی دینداری، با جهانی شدن فرهنگ معنادار می‌باشد. همچنین، یافته‌های جدول نشان دهنده این است که، مجموع ابعاد چهارگانه دینداری ۳۸/۳ درصد، با متغیر جهانی شدن فرهنگ همبستگی دارد و ۱۴/۷ درصد از واریانس جهانی شدن فرهنگ را، چهار بعد دینداری تبیین می‌نماید، که این ضریب جهت تعمیم کل جامعه مورد مطالعه، ۱۴/۱ درصد می‌باشد. با توجه به مقادیر F و سطح معناداری موجود در جدول، رابطه میان ابعاد دینداری یا جهانی شدن فرهنگ، در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار بوده و در جهت تایید فرضیه می‌باشد.

جدول ۴: معادله رگرسیون چند متغیره رابطه میان ابعاد مختلف دینداری با گرایش به جهانی شدن فرهنگ

نام متغیر	B	انحراف معیار	Beta	T	سطح معناداری
بعد اعتقادی دینداری	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	-۰/۷۰۴	-۱/۳۵۲	۰/۱۷۷
بعد تجربی دینداری	-۰/۰۱۳	۰/۰۱۰	۰/۰۷۵	-۱/۲۴۶	۰/۲۱۳
بعد مناسکی دینداری	۰/۰۱۹	۰/۰۰۷	۰/۱۶۵	۲/۸۵۷	۰/۰۰۴
بعد پیامدی دینداری	۰/۰۲۷	۰/۰۰۶	۰/۲۵	۴/۷۲۵	۰/۰۰۰

R=383 R²=147 ADJ.R² =141 F= 22/876 Sig=0/000

جدول شماره ۵، گویای رابطه ابعاد دینداری با گرایش به جهانی شدن اقتصاد می‌باشد. نتایج به دست آمده حاکی از این می‌باشد که، ابعاد چهارگانه دینداری ۴۰/۳ درصد با متغیر جهانی شدن اقتصاد همبستگی دارد و ۱۶/۳ از واریانس گرایش به جهانی شدن اقتصاد را، چهار بعد دینداری تبیین می‌نماید که این ضریب جهت تعمیم به کل جامعه مورد مطالعه، ۱۵/۶ می‌باشد. مقادیر F و سطح معناداری موجود در جدول نشانگر این است که، روابط میان ابعاد دینداری با جهانی شدن اقتصاد در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار است و فرضیه تایید می‌گردد. همچنین یافته‌های موجود در جدول حاکی از آن است که، بین تمام ابعاد دینداری جز بعد اعتقادی آن با متغیر وابسته، همبستگی مستقیم و معنادار وجود دارد.

جدول ۵: رگرسیون چند متغیره رابطه میان ابعاد مختلف دینداری با گرایش به جهانی شدن اقتصاد

نام متغیر	B	انحراف معیار	Beta	T	سطح معناداری
اعتقادی دینداری	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵	۰/۰۸۶	-۱/۵۹۲	۰/۱۱۲
بعد تجربی دینداری	۰/۰۲۲	۰/۰۱۰	۰/۱۳۳	-۲/۲۴۳	۰/۰۲۵
بعد مناسکی دینداری	۰/۰۲۶	۰/۰۰۶	۰/۲۲۹	۳/۹۹۰	۰/۰۰۰
بعد پیامدی دینداری	۰/۰۲۱	۰/۰۰۶	۰/۲۰۳	۳/۸۷۱	۰/۰۰۰

R=403 R²=163 ADJ.R²=156 F= 25/781 Sig=0/000

جدول شماره ۶، نتایج به دست آمده از رابطه ابعاد دینداری و گرایش به جهانی شدن سیاست را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که، ابعاد چهارگانه دینداری با متغیر وابسته ۴۴ درصد همبستگی دارد که ۱۹/۳ درصد از واریانس گرایش به جهانی شدن سیاست را، چهار بعد دینداری تبیین می‌نماید که این ضریب به منظور تعمیم برای کل جامعه مورد مطالعه به ۱۸/۷ درصد می‌رسد. براساس مقادیر F و سطح معناداری موجود در جدول، روابط میان مجموع چهار بعد دینداری و گرایش به جهانی شدن سیاست، در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. همچنین، نتایج جدول نشانگر آن است که، همه ابعاد دینداری به جز بعد تجربی با متغیر وابسته همبستگی مستقیم دارند و این همبستگی به لحاظ آماری نیز معنادار می‌باشد.

جدول ۶: معادله رگرسیون چند متغیره رابطه میان ابعاد مختلف دینداری با گرایش به جهانی شدن سیاست

نام متغیر	B	انحراف معیار	Beta	مقدار T	سطح معناداری
بعد اعتقادی دینداری	۰/۰۲۰	۰/۰۰۵	۰/۲۰۹	۰/۹۴۴	۰/۰۰۰
بعد تجربی دینداری	-۰/۰۱۳	۰/۰۱۰	۰/۰۷۴	-۱/۲۶۱	۰/۲۰۸
بعد مناسکی دینداری	۰/۰۲۲	۰/۰۰۷	۰/۱۸۵	۳/۲۸۴	۰/۰۰۱
بعد پیامدی دینداری	۰/۰۳۰	۰/۰۰۶	۰/۲۷۵	۵/۳۳۴	۰/۰۰۰

R=/440 R²=/193 ADJ.R²=/187 F= 31/846 Sig=0/000

جدول شماره ۷، نشانگر آزمون رگرسیون رابطه دینداری کل، با گرایش به جهانی شدن می‌باشد. چنانچه جدول نیز گویا می‌باشد، $R=0/297$ نشان می‌دهد که همبستگی بین دو متغیر وجود دارد و دینداری و گرایش به جهانی شدن در میان پاسخگویان با یکدیگر همبستگی دارند. میزان R^2 مشخص می‌کند که ۸/۸ درصد واریانس گرایش به جهانی شدن را تبیین می‌نماید که این میزان، برای کل جمعیت آماری به ۸/۷ درصد می‌رسد. ضریب بتا نیز مساوی $0/297$ می‌باشد، که رابطه مستقیم و مثبت متغیر جهانی شدن و دین را تایید می‌کند. همچنین همبستگی میزان $T=7/193$ و $F=51/736$ و $Sig=0/000$ تایید کننده فرضیه H_1 می‌باشد و رابطه معناداری بین دینداری کل به عنوان متغیر مستقل و گرایش به جهانی شدن به عنوان متغیر وابسته، وجود دارد.

جدول ۷: آزمون رابطه میزان دینداری پاسخگویان با جهانی شدن

متغیر مستقل	R	R ²	ADJ.R ²	انحراف استاندارد	B	Beta	T	F	سطح معناداری
دینداری کل	۰/۲۹۷	۰/۰۸۸	۰/۰۸	۰/۰۶۶	۰/۴۷۵	۰/۲۹۷	۷/۱۹۳	۵۱/۷۳۶	۰/۰۰۰

۱۰. بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی یافته‌های پژوهش حاکی از این است که، دینداری و ابعاد مختلف آن با گرایش به جهانی شدن و وجوه آن ارتباط معناداری دارد و رابطه‌ای مستقیم و مثبت بین آن‌ها حاکم می‌باشد و به طور مشخص تر می‌توان با توجه به نتایج به دست آمده، میزان دینداری جامعه آماری با گرایش به جهانی شدن را به طور کلی و جداگانه تعیین نمود. نمره پاسخگویان در تمام ابعاد گرایش به جهانی شدن: اقتصاد، فرهنگ، سیاست و ارتباطها در حد متوسط و بالا بوده و نمره ابعاد دینداری در چهار بعد:

اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی نیز در حد متوسط و بالا می‌باشد. همچنین، نتایج معادله رگرسیون چند متغیره، از وجود رابطه مثبت و مستقیم بین میزان دینداری و گرایش به جهانی شدن کل حکایت دارد، یعنی هرچه میزان دینداری افراد در ابعاد چهارگانه افزایش پیدا کند گرایش به جهانی شدن نیز در ابعاد آن افزایش پیدا می‌نماید. در این مطالعه ابعاد مناسکی و پیامدی دینداری، بیشترین میزان همبستگی را با گرایش به جهانی شدن نشان داده‌اند.

اساس نظریه‌گیدنز که در واقع می‌توان سایر ابعاد نظری وی را بر این اساس سنجید، نقش عاملیت- ساختار می‌باشد. ایشان تمام موضوع‌ها را با توجه به این نظریه سنجیده است. در ارتباط با موضوع مورد بررسی نیز واضح است که، گیدنز جهانی شدن را برای انسانی که ناخودآگاه در این جریان قرار می‌گیرد و چاره و مفری نمی‌یابد، ساختاری همواره چیره و مسلط نمی‌بیند. بلکه، ایشان به تاثیر متقابل جهانی شدن به عنوان ساختار با سایر حوزه‌ها، اعتقاد فراوان دارد. در خصوص دینداری نیز، شخص دیندار همواره می‌تواند در بستر جهانی شدن به زندگی بپردازد و از دیدگاه، نگرش و فعل جهانی در حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ برخوردار باشد و از وسایل و تکنولوژی‌های ارتباط جمعی بهره‌ی کامل را ببرد و حتی قالب‌های دینی خود را با معنایی که آشکار می‌کند به سایر جهانیان عرضه نماید. به هر حال با توجه به نقش ساختار عاملیت گیدنز، دیندار می‌تواند در عرصه جهانی خود را مطرح نماید و در دو بعد، حضوری قوی داشته باشد و هم دینداری به تمام معنا و هم جهانی شده‌ای واقعی باشد و نتایج پژوهش نیز حاکی از چنین امری می‌باشد، یعنی شخص دیندار می‌تواند به شدت فردی معتقد به دین خود باشد و از تجربیات دین خود بهره کامل ببرد، معنویت و معنا را تجربه نماید، تجربه دین خود را مغتنم شمارد، جهت عبادت به کلیسا، مسجد، کنیسه و دیر برود و حتا با توجه به چارچوب اعتقادی خود، به دعوت دیگران به فعل خیر و نیک بپردازد و دیگران را نیز به عواقب کارهایشان آگاه سازد و در عین حال که در دین خود فردی کامل محسوب می‌شود، به شدت معتقد به دموکراسی (به عنوان شیوه حکومت) و گسترش آن در سطح جهان باشد و هم یک شخص دموکرات باشد و هم عضوی از سازمان‌های غیر دولتی و هم برای محیط زیست خود سفیر نجات دهنده و سبزگونه باشد و هم یکی از سهامداران شرکت‌های چند ملیتی.

بنابراین چنانچه گذشت، تعارضی بین دینداری و گرایش به جهانی شدن وجود ندارد، بلکه همبستگی میان دو متغیر بر اساس یافته تحقیق برقرار است. گیدنز، در بحث سنت و مدرنیته بر این اعتقاد است، سنت را تنها می‌توان براساس دانشی که اعتبار خود را از سنت گرفته باشد توجیه نمود و بر همین اساس است که از دیدگاه وی سنت می‌تواند به ایفای نقش خود در مدرنیته بپردازد. گیدنز، سنت را به دلیل ارتباط با قطعیات با دین یکی پنداشته، که معنابخشی به زندگی و احساس خوف و ترس از عمل مقدس را در بردارد. بنابراین، یافته‌های این تحقیق ضمن انطباق با نظریه‌های وی، در جامعه مورد مطالعه نیز مورد تایید واقع می‌شود. وی اعتقاد ۸۰ درصد بریتانیایی‌ها به یکتایی خداوند (نقش اعتقادی - دینداری) - که در این پژوهش نیز میزان بعد اعتقادی دینداری نمرهای در حد بالا را

نشان می‌دهد- رشد صدها فرقه و کیش گوناگون در کنار کلیسای رسمی و زنده نگاه داشتن وفاداری‌های مذهبی پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها در ایرلند و سفر پاپ به کشورهای متفاوت - که در این پژوهش میزان نمره بالایی در بعد پیامدی، تجربی و مناسکی حاصل شده است- را نشانی از وجود دین در عصر جهانی شدن می‌داند. پس در عصر مدرنیته با جهانی شدن چنانچه گیدنز خاطر نشان می‌نماید و همچنان که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد درصد بالایی در جهانی شدن و دینداری تقریباً در حد متوسط می‌باشند.

نتایج این پژوهش با دیگر یافته‌ها نیز قابل تطبیق می‌باشد. زاگرم^{۱۴} (۱۳۸۴)، به نقل از موسسه گالوپ^{۱۵} آمارهایی را نشان می‌دهد که کاملاً با نتایج این تحقیق منطبق بوده و حتی می‌توان گفت در برخی از ابعاد دینداری، نمره‌هایی به نسبت قوی‌تر را نشان می‌دهد. آمریکا جهان را قبضه نموده و در تمام ابعاد جهانی شدن، ارتباطها، فرهنگ، اقتصاد و سیاست تسلط هماهنگ خود را بر جهان به رخ کشانده است. پس برخورداری شهروند آمریکایی از نگرش و عمل جهانی امری قطعی می‌باشد. اما، رابطه‌ی آن‌ها با دینداری، مسأله‌ای تامل برانگیز می‌باشد. آمارهایی که زاگرم به روایت از گالوپ نقل می‌نماید، به شدت با یافته‌های پژوهش حاضر تطبیق داشته و به طور قاطع از آن حمایت می‌نماید. ۹۶٪ آمریکایی‌ها به خدا اعتقاد داشته و این آمار در ۵۰ سال اخیر ثابت مانده است. از هر سه نفر آمریکایی یک نفر معتقد است که، کلمه به کلمه‌ی انجیل عین کلام خداوند می‌باشد. ۶۸٪ آمریکایی‌ها معتقد به وجود شیطان و حدود ۸۰ درصد آمریکایی‌ها معتقد به زندگی پس از مرگ می‌باشند. ۸۶ درصد آمریکایی‌ها به بهشت و ۷۱ درصد به جهنم اعتقاد دارند. ۸۲ درصد از آنان اذعان دارند که «گاهی اوقات از حضور خداوند کاملاً آگاه می‌باشند» (با نتایج بعد اعتقادی - دینداری پاسخگویان تطبیق تام دارد). از هر سه نفر نوجوان آمریکایی یک نفر ادعا دارد که، شخصاً حضور خداوند را تجربه نموده است (بعد تجربی - دینداری). ۹۰٪ آمریکایی‌ها ادعا دارند که هر هفته دعا و نماز می‌خوانند. ۹۷٪ کسانی که مدعی‌اند نماز می‌خوانند می‌گویند: خدا دعایشان را می‌شنود و ۹۵٪ می‌گویند: خدا دعایشان را اجابت می‌نماید. آمارهای ارائه شده از موسسه گالوپ که از اعتبار جهانی برخوردار است، شاهدی بر یافته‌های تحقیق حاضر می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از رابطه مستقیم دینداری و جهانی شدن می‌باشد. در جامعه آمریکا که افراد به غایت جهانی و از نظر دینداری نیز قوی می‌باشند بین این دو متغیر رابطه‌ای مستقیم برقرار است. همچنین آمارهای متعدد حاکی از رشد سالانه سایت‌ها و وبلاگ‌ها با موضوع‌های دین ۲۰٪ می‌باشد و فروش فیلم‌ها با مایه‌های دینی افزایش یافته است (سلیمی، ۸: ۱۳۸۶).

دینداری در جوامع مختلف از مقوله‌هایی می‌باشد که احساس خطر پیرامون آن زیاد است و به محض کاهش با افزایش در طرفداران یک فرقه یا کیش دینی، این امر مهم برای آن چالش محسوب شده و به همین خاطر به بازسازی متولیان دینی یا غیردینی فکر می‌شود. این مساله در کشور ما نیز بسیار مشهود می‌باشد. در جامعه ما نیز برخی اعتقاد دارند که روندهای دنیوی شدن نتیجه مدرنیته و

جهانی شدن بوده و در جامعه در حال شکل گرفتن می‌باشد و به تدریج نگرش دنیوی بر جامعه حاکم می‌گردد و نسل سوم انقلاب به تدریج از تفکر دنیوی شده برخوردار گردیده و از سوی این نسل با دین برخورد گزینشی صورت گرفته و ابعاد پیامدی و مناسکی دینداری در آن‌ها کاهش می‌یابد (منطقی، ۴۴۱-۷: ۱۳۸۴).

عده‌ای رشد جهانی شدن را در جامعه منجر به دین زدایی تصور نموده و به همین دلیل به عکس العمل در مقابل جهانی شدن پرداخته‌اند و اغلب با شیوه‌های غیر منطقی، برخوردی حذفی، واکنشی و تدافعی در قبال این پدیده (که معمولا عاملی بازدارنده بر سر راه توسعه قلمداد می‌شود) صورت می‌گیرد. به راستی آیا باید در مقابل جهانی شدن به خاطر این که خطرهایی برای ما دارد ایستاد؟ یا این که می‌باید دست به آمایش زده و ساختارها را فراهم نمود و زمینه حضور پر رنگ و قوی خود را در فرایند جهانی شدن ایجاد نمود. پر واضح است که، دینداری قوی و بهره گرفته از اخلاق دینی و پشتوانه معنوی قوی، همواره از جهانی شدن دفاع می‌کند. چنان که گذشت، جهانی شدن در مهد زادگاه جهانی شدن (آمریکا) با دینداری گره خورده و به هم تنیده شده‌اند و همدیگر را تشدید می‌نمایند. بنابراین، ایستادن بر خلاف جریان نه تنها منطقی و عقلانی به نظر نمی‌رسد؛ بلکه ما باید امکانات خود را بیشتر تقویت نموده تا سایر کشورها که از امکانات بیشتری برخوردارند و تسلط خود را از طریق رسانه‌های گروهی قوی و پیشرفته بر جهانیان در عرصه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ دیکته نموده‌اند، نتوانند فرهنگ، اقتصاد و سیاست ما را با خطر نابودی روبرو ساخته و در مقابل سعی کنیم با استفاده از مزایای جهانی شدن، سکوی پرتابی جهت عرضه دین و فرهنگ خویش مهیا نماییم. همچنان که یان آرت شولت^{۱۶} (۲۰۰۰) خاطر نشان می‌سازد، جهانی شدن به طور ذاتی چیز خوب یا بدی نبوده و خروجی آن به طور عمده نتیجه تصمیم‌های بشری می‌باشد، که می‌تواند تغییرها و بحث‌هایی را به دنبال داشته باشد. جهانی شدن را با نگاه ارزشی نمی‌توان شناخت، و خوب و بد آن بستگی به تصمیم‌گیری‌های که ما آن‌جا می‌دهیم دارد. اگر بر اساس نگاه جزم‌گرایانه دینی، به عرصه جهانی شدن بنگریم، جهانی شدن علیه ما شده و همیشه برای ما خطر ساز می‌باشد. اما، اگر از زاویه‌ای دیگر بنگریم و تصمیم بگیریم که در فضای جهانی شدن شرایط حضور دینداری را گسترش داده و دین را در بازارهای رقابتی بر اساس نوع کالا و متاع با چاشنی معنویت عرضه نماییم، بی‌درنگ چنین اتفاقی در عصر اطلاعات و جامعه شبکه‌ای رخ خواهد داد. از آنجایی که در جهانی شدن کنشگران جهانی قدرت انتخاب دارند، بی‌شک دینی را تقاضا خواهند نمود که در شرایط جهانی و با حفظ گوهر و اساس دین، خود را عرضه نماید. براین اساس، جهانی شدن تهدیدی جهت دین زدایی نبوده و می‌تواند دین را در بازار اندیشه جهانی قرار داده، و یا این که با استفاده از تکنولوژی ارتباطی مدرن، بر مخاطبان خود بیفزاید.

با توجه به دیدگاه گیدنز، جهانی شدن بستری را فراهم نموده تا تمامی کنشگران در سرتاسر جهان وارد این جریان شوند و کسی خارج از این جریان قرار نگیرد. و هر کس بسته به سهم و نسبت خود، از این جریان بهره مند گردد. آنچه را که می‌توان با توجه به نگاه وی در شرایط کنونی برای ایران

مطرح نمود این است که: در ابتدا با شناخت جایگاه کشور در معادله‌های متفاوت در عرصه جهانی، باید تلاش نمود تا اسیر تقدیر نشویم، و سپس با کنترل بر منابع و امکانات خود و با استفاده از فواید جهانی شدن، زمینه‌ی حضور و فعالیت خود را گسترش دهیم. از آنجایی که بنا بر تعبیر رابرتسون، چیزی در عرصه جهانی امکان گسترش پیدانمی نماید، مگر این که قابلیت‌های جا گرفتن در ظرف‌های محلی را داشته باشد و از آنجا که ظرف‌های جامعه ما، متعلق و مختص جامعه می‌باشند بنابراین، جریان‌های جهانی شده باید شکل و شمایل ظرف را به خود بگیرند (سلیمی، ۸: ۱۳۸۶). این موضوع در ارتباط با نقش دینداران در جامعه، و حضور پررنگ آن‌ها در تصمیم‌گیری در جامعه و نوع جهت‌گیری آن‌ها علیه یا بر له جهانی شدن، بسیار مهم به نظر می‌رسد.

یادداشت‌ها

1. Ingelhart, R.
2. Radhika, S.
3. Mustafa, S.
4. Jin kiu, P.
5. Turner, B.
6. Harvay, D.
7. Castells, M.
8. Robertson, R.
9. Lechner, F.
10. Beyer, P.
11. Tomlinson, J.
12. Berger, P.
13. Giddens, A.
14. Zakerman, P.
15. Gallup
16. Scholte, Y. A.

منابع

الف. فارسی

- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۵). *جهانی شدن و ارزش‌های پسا مدرن*. راهبرد، ترجمه‌ی حامد حاجی حیدری، شماره ۶.
- باقری، محمدحسین. (۱۳۸۴). *دین و سیاست در عصر جهانی شدن به چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی/ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق.
- برگر، پیترال. (۱۳۸۰). *افول سکولاریزم (دین خیزش‌گر و سیاست جهانی)*. ترجمه‌ی افشار امیری، تهران: پنگان.
- برگر، پیترال. (۱۳۸۴). *«دینامیسم فرهنگی جهانی شدن» در چند جهانی شدن*. به کوشش پیتر برگر و ساموئل هانتیگتون، ترجمه‌ی علی کمالی و لادن کیانمهر، تهران: روزبه.
- برمن، مارشال. (۱۳۸۳). *تجربه مدرنیته*. ترجمه‌ی مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.
- تافلر، آلوین. (۱۳۸۳). *شوک آینده*. ترجمه‌ی حشمت‌الله کامرانی، چاپ پنجم، تهران: نشرعلم.

- تاملینسون، جان. (۱۳۸۱). **جهانی شدن و فرهنگ**. ترجمه‌ی محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- ترنر، برایان. اس. (۱۳۸۱). **شرق‌شناسی، پست‌مدرنیسم و جهانی شدن**. ترجمه‌ی احمد قلی‌زاده، تهران: فرهنگ‌گفتمان.
- ترنر، برایان. اس. (۱۳۸۵). **فضیلت جهان وطنی؛ دین در عصر جهان وطنی**. ترجمه‌ی مجتبی کرباسچی، حمید پورنگ و حامد حاجی‌حیدری، راهبر یاس، شماره ۸.
- توماس، اسکات. (۱۳۸۱). **"دین و جامعه بین‌الملل" در دین جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم**. به اهتمام جیف هینس، ترجمه‌ی داوود کیانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جلایی پور، محمدرضا. (۱۳۸۴). **"مقدمه‌ای بر چشم‌اندازهای جهانی" در چشم‌اندازهای جهانی شدن**. به اهتمام محمدرضا جلایی پور، تهران: طرح نو.
- خان محمدی، کریم. (۱۳۸۵). **تحقیق مردم‌شناختی مناسک مذهبی در فرایند جهانی شدن، مطالعه موردی مناسک قالی‌شویان مشهد اardehal**. **شیعه‌شناسی**، ۱۳، ۹-۷۱.
- خواجه نوری، بیژن. (۱۳۸۵). **بررسی رابطه مؤلفه‌های فرایند جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان**. **پایان‌نامه دکتری**، دانشگاه شیراز.
- رابرتسون، رولاند. (۱۳۸۵). **جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی**. ترجمه‌ی کمال پولادی، تهران: ثالث.
- ریتزر، جرج. (۱۳۷۹). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- زاگرن، فیل. (۱۳۸۴). **در آمدی بر جامعه‌شناسی دین**. ترجمه‌ی خشایار دیهیمی، تهران: نشر لوح فکر.
- سراج زاده، سیدحسن. (۱۳۸۳). **چالش‌های دین و مدرنیته**. تهران: طرح نو.
- سلیمی، حسین. (۱۳۸۶). **دینی در عصر جهانی شدن**. اعتماد، ۱۳۷۹، ۸.
- شورمان، ویلیام. (۱۳۸۵). **جهانی شدن**. ترجمه‌ی امیر غلامی،
- <[http://www.Secularism for irian.com](http://www.SecularismforIran.com)>[1385/8/15]
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). **عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)**. ترجمه‌ی احد علیقلیان و افشین خاکباز، ویراستار علی پایا، تهران: طرح نو.
- کاستلز، مانوئل و اینس، مارتین. (۱۳۸۴). **گفتگوهایی با مانوئل کاستلز**. ترجمه‌ی حسن چاووشیان و لیلا جوافشانی، تهران: نشر نی.

- کچویان، حسین. (۱۳۸۵). *نظریه‌های جهانی شدن و دین*. مطالعه‌ی انتقادی، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت*. ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: مرکز نشر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۹). *جهان رها شده، گفتارهایی درباره یکپارچگی جهان*. ترجمه‌ی علی‌اصغر سعیدی و یوسف حاجی‌الوهاب، تهران: ادب.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی*. ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). *معنای مدرنیت*. ترجمه‌ی علی‌اصغر سعیدی، تهران: کویر.
- لوکر، ژاژ. (۱۳۸۳). *جهانی شدن فرهنگی، آزمون‌های تمدن‌ها*، ترجمه‌ی سعید کامران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- منطقی، مرتضی. (۱۳۸۴). *فرصت‌ها و تهدیدها در جهانی شدن*. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی و تعلیم و تربیت، به کوشش جهاد دانشگاهی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- موحد، مجید. (۱۳۸۲). *رویکردی جامعه‌شناختی به فرایند سکولاریزاسیون در عصر جهانی شدن*. مجموعه مقاله‌های چهارمین کنگره دین پژوهان، به اهتمام: محمد جواد صاحبی، ویراستار محمد بدیعی، قم: نشر احیاگران.

ب. انگلیسی

- Berger, P. L. and Huntington, S. P. (2005). **Religion and Globalizations**. Oxford Scholarship Online Monographs, December , pp. 11-23.
- Beyer, P. (1994). **Religion and Globalization**. London: Sage.
- Beyer, P. (1995). **The Globalization of Theological Education**. [http://www. Find articles.com / P/ articles](http://www.Findarticles.com/P/articles)>[2007.01.01].
- Beyer, P. (2003). **Constitutional Privilege and Constituting Pluralism: Religious Freedom in National Global, and Legal Context**. *Journal for the Scientific Steal of Religion*, 42 (39), 333-39.
- Giddens. A. (1995). **A Affluence, Poverty and the Idea of a Post – Scarcity**. Society: UNRISD.
- Giddens. A.(2000). **How Globalization is Reshaping our Lives**. New York: Routledge.
- Giddens. A. (2005). **Global Media and Communication**. London: Sage.
- Harvey, D. (1985). **The Condition of Post Modernity**. Oxford: Blackwell
- Jin Kyu. P. (2006). **Media Religion and Cahare in Contemporary Korea**:

Production and Reception of Religious Symbolism in a Daily TV Serial PhD Dissertation. University of Colorado boulder.

Mustafa, S. (2003). Turkish Immigrants in the United States: Historical and Cultural Origins.

Lechner, F. J. (2000). **Defining Religion: A Pluralistic Approach for the Global Age.** Atlanta: Emory University.

Radhika, S. (2001). **Global Reconstruction of Hinduism: A Case Study of Sari Lankan Tamils in Canada.** PhD Dissertation, University of Ottawa (Canada).

Robertson, R. (1987). **Globalization and Societal Modernization: A Note on Japan and Japanese Religion, Sociological Analysis.** 47 Supplement (Mar), 35-42.

Scholte, y. A. (2000). **Globalization – Some Definitions.** <<http://www.infed.org/bibi/defining-Globalization.htm>> [2006/08/12].

